

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

راهکارهای مبارزه با فساد اقتصادی از دیدگاه خطبه های 15،41،126 نهج البلاغه

نگارنده:

مهري اميري

سال تدوين:

تابستان 98

سطح دو ، مدرسه علمیه حضرت آمنه (س)پست الکترونیکی :

الف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چکیده:

اثرات منفی پدیده فساد به حدی است که علاوه بر جلب توجه سازمانهای بین‌المللی، مسئله اصلی بسیاری از کشورهای دنیا نیز شده است. با توجه به اثرات فساد بر شاخص‌های کلان اقتصادی دارای اهمیت بالا در توسعه، اتخاذ سیاست‌های ضد فساد برای کشورها دارای اهمیت بیشتر است. لذا یافتن راههایی برای کنترل و مدیریت میزان فساد اقتصادی از مهم‌ترین اهداف جوامع و سیاست‌گذاران کلان هر جامعه‌ای بوده است.

این پژوهش به شیوه توصیفی – تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است و راهکارهای مبارزه با فساد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و رویکرد اتخاذ شده در این تحقیق دیدگاه امام علی علیه السلام در خطبه‌های 126، 41، 15 در این موضوع بوده است. نتایج این تحقیق بیانگر این است که امام علی علیه السلام راهکارهایی در بحث مبارزه با فساد اقتصادی ارائه داده است از جمله: نظارت بر کارگزاران، رسیدگی به مالیات و... می‌باشد. در این تحقیق انواع فساد اقتصادی و راهکارهای حضرت علی علیه السلام در خطبه‌های نهج البلاغه 126، 41، 15 برای مبارزه با فساد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: بیت المال، خطبه‌های، فساد اقتصادی، مبارزه، نظارت بر کارگزاران

بیان مساله

از خطرناک ترین مشکلاتی که دولت ها و افراد حقیقی به وسیله آن تاثیر می پذیرند، پدیده فساد اقتصادی است. فساد تبدیل به پدیده عمومی و بین المللی شده، که بسیاری از کشورها تحت تاثیرات خود قرار داده است. قرآن کریم پدیده فساد را نتیجه اعمال خود مردم می داند. اثرات متعدد منفی فساد، این پدیده را تبدیل به بزرگترین مشکل جهانی نموده است. فساد، مانع بزرگی برای اجرای برنامه های توسعه محسوب می شود. هم چنین این پدیده مانع توزیع مناسب و عادلانه منابع اقتصادی است که از این طریق به مردم فقیر نیز آسیب می رساند و گسترش این پدیده می تواند، در نهایت ارتباط بین مردم و دولت ها را دچار اختلال خواهد نمود.

اهمیت پدیده فساد برای کشورهای دنیا مشخص شده است به طوری که کشورهای متعددی جهت مقابله با این پدیده اقدام به برقراری قوانین و مقررات ویژه ای نموده، راه های پیشگیرانه و کنترلی برای این پدیده را بررسی و اجرایی نموده اند. اسلام نیز به عنوان مکتبی کامل که ادعای ایجاد سعادت اجتماعی و فردی را دارد جهت مبارزه با پدیده فساد راهکارهایی را مطرح نموده است. قوانین و مقرراتی که از شریعت اسلام اخذ می شود، شیوه های متعددی برای پیشگیری، کنترل و درمان پدیده فساد ارائه نموده است.

مشهور است که احکام و مقررات تاسلامی از طریق منابعی چون قرآن کریم، احادیث و روایات، سنت، عقل و اجماع استنباط و اخذ می شود. لذا باید دستورات اسلامی جهت مقابله با پدیده مخرب فساد نیز از منابع ذکر شده به دست آورد.

موارد بسیار زیادی از چگونگی ایجاد تاثیرات و نیز نحوه برخورد با پدیده فساد در منابع فقهی اسلامی ذکر شده است. به عنوان مثال خداوند در قرآن کریم رشوه دادن به قاضی برای به دست آوردن اموال حرام نموده است (قرآن کریم، سوره بقره، آیه 188). از منابع ارزشمند دیگری که در استنباط احکام فقهی از آن استفاده می شود نهج البلاغه است که در آن نیز دستورات و سفارشات اکیدی بر فساد اقتصادی شده است. به عنوان مثال می توان به خطبه های 126 و 15 نهج البلاغه و توصیه های نهفته در آنها اشاره نمود.

پیشینه تحقیق

همزمان با برپایی دولتها فساد اقتصادی نیز صورت گرفته و به دنبال آن راهکارهایی برای مبارزه با این فساد ارائه شده است.

در رابطه با موضوع تبیین نهادهای خالق بازار جهت مبارزه با فساد اقتصادی در نهج البلاغه مقالات و کتابهایی نوشته شده است. از جمله مقالات و کتابهای نوشته به چند مورد اشاره میکنیم.

کتاب مبارزه با بیکاری و فساد اقتصادی در سیره امام علی علیه السلام نوشته رسول فتاحی و مرتضی نعمتی و خلیل نعمت الهی در 208 صفحه در سال 1395 به چاپ رسیده است. فصل های این کتاب شامل موارد زیر می باشد: فصل اول: اقتصاد اسلامی و سیره اهل بیت علیهم السلام، فصل دوم: ارزش کار و تولید منظر امام، فصل سوم: مهمترین آفات چرخه اقتصادی از منظر امام علی علیه السلام و فصل چهارم: رویکرد عدالت اقتصادی و اصلاحات ضروری. این کتاب آفات چرخه اقتصادی را نام برده اما راهکاری برای مبارزه با فساد اقتصادی رامطرح نکرده است.

کتاب فساد و دولت: علت ها، پیامدها و اصلاحات نوشته سوزان رز آکرمن مترجم منوچهر صبوری

این کتاب دارای 4 بخش می باشد: 1. فساد به مثابه مسأله ای اقتصادی 2. فساد به مثابه یک مشکل فرهنگی 3. فساد به مثابه مسأله ای سیاسی 4. دستیابی به اصلاحات

در این کتاب از دیدگاه نهاد گرایی ب علل به وجود آمدن فساد و نتایج حاصل از فساد در جامعه و اصلاحات مورد نیاز در جامعه برای مقابله لا فساد نیز پرداخته است.

مقاله بررسی ویژگی های نهادهای مقاوم در برابر فساد از دیدگاه اقتصاد نهادی جدید نوشته سید محسن عظیمی دخت شورکی در این مقاله رابطه بین فساد و نهادها با تاکید بر عملکرد کشورهای موفق در مبارزه با فساد در کشورهای تازه توسعه یافته مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. رویکرد اتخاذ شده در این تحقیق دیدگاه اقتصاد نهادی نوین بوده، از این طریق به دنبال یافتن ویژگی های مشترک نهادی که در اجرای سیاست های ضد فساد موثر بوده اند می باشد اما این مقاله از دیدگاه نهج البلاغه بحث نکرده است.

مقاله بررسی فساد اقتصادی و راه های مبارزه با آن نوشته نرگس رحیمیان مجله اقتصادی شماره 9 و 10 آذر و دی 93 صفحه 116-103. این مقاله دارای 6 فصل زیر می باشد.

تعریف فساد اقتصادی، انواع فساد اقتصادی، شاخص فساد اقتصادی، ده مورد از بزرگترین فسادها در کسب و کار جهانی، مبارزه با فساد اقتصادی فعالیتهای اصلی در یک برنامه کلی ضد فساد.

در این مقاله مبارزه با فساد اقتصادی را از دیدگاه نهج البلاغه بررسی نکرده است در حالیکه محقق در تحقیق حاضر رویکردی متمایز با سایر محققان را اتخاذ نموده است و سعی بر این دارد که راهکارهای مبارزه با فساد اقتصادی را از دیدگاه خطبه های نهج البلاغه بررسی کند.

ضرورت

اهمیت این تحقیق به واسطه اهمیت موضوع اصلی آن یعنی فساد است. اثرات منفی فساد اقتصادی روز به روز در حال افزایش است به طوری که این پدیده نه تنها به عنوان بحرانی منطقه ای محسوب می شود بلکه در حال حاضر آن را به عنوان معضلی بین المللی می شناسند. بنابراین، ضروری است که به بررسی راه های کنترل و مدیریت این پدیده پرداخته شود.

اسلام به عنوان دینی جامع و جهان شمول نیز دستورات و راه کارهایی برای کنترل و مدیریت و مبارزه با این پدیده ارائه نموده است. بسیار مهم است که راه کارهایی اجرایی اسلام عزیز از طریق کلیه منابع اسلامی استخراج شود. این تحقیق بر آن است تا راه کارهای پیشنهادی نهج البلاغه برای کنترل، مدیریت و مبارزه با فساد را بررسی و تبیین نماید.

سوال وهدف تحقیق

هدف از ارائه این تحقیق ارائه راهکارهایی مناسب و اسلامی برای مبارزه با فساد موجود در سیستم اقتصادی کشور می باشد. سؤال اصلی :راهکارهای امیرالمومنین علیه السلام برای مبارزه با فساد اقتصادی با توجه به خطبه های 126،41،15 چیست؟

انواع فساد اقتصادی

صورت های مختلفی از فساد اقتصادی وجود دارد که ممکن است

آشکارا یا بطور مخفیانه باشد. ممکن است فساد اقتصادی با هدف کسب منافع شخصی و یا از واژه کینه صورت بگیرد. در هر صورت مشتری و مصرف کننده هزینه ی فساد اقتصادی را می پردازد. فساد رقابت را فرو می نشاند . بازار آزاد را واژگون می سازد. فساد اقتصادی صورت های مختلفی دارد از جمله رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و باز پرداخت که در ادامه به تعریف این موارد می پردازیم.

1-1. رشوه

رشوه رایج ترین نوع فساد در کسب و کار است. رشوه می تواند بین دو فرد و یا یک فرد و یک سازمان عمومی اتفاق بیفتد. رشوه انواع مختلفی دارد. برخی اوقات که به آن پول چرب می گویند ، کارکنان پیش از اینکه در مورد کاری تعهد کنند یا مجوزی صادر نمایند از طرف مقابل پول دریافت می کنند .

محمد جعفری لنگرودی در تعریف رشوه آورده است: رشوه جزا دادن مالی است به مامور رسمی یا غیر رسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل دریافت کننده مال نباشد.

1-2 کلاهبرداری

کلاهبردای نوع دیگری از فساد اقتصادی است که اعضای یک شرکت از آن منافع شخصی سوء استفاده می کنند. این نوع از کلاهبرداری هم در بخش های عمومی و هم در بخش های اختصاصی دیده می شود (سگراوز 2012) کلاهبرداری بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه است و به لحاظ تسلط بر مال غیر با سرقت و خیانت در امانت مشابه است، اما دارای خصوصیات ویژه ای است که آن را از جرایم مذکور

جدا می کند. از جمله بکار بردن وسیله متقلبانه، اغفال مالباخته و تسلیم مال از طرف وی به کلاهبردار خاص کلاهبرداری است که در سایر جرایم وجود ندارد

1-3 برداشتن اجناس شرکت برای استفاده شخصی را اختلاس می گویند. اشخاصی که توانایی تنظیم دوباره سرمایه و پنهان کردن این حقیقت که سرمایه مفقود شده است را دارند متخلف هستند.

اختلاس اموال عمومی، همزاد با تشکیل حکومت مطرح بوده و قدمتی به اندازه خود دولت ها دارد.

1-4 باز پرداخت: در کسب و کار باز پرداخت به پرداخت هایی اطلاق می شود که توسط فروشندگان و در عوض قرار دادهایی که موجب تورم بیش از حد هزینه کار انجام شده هستند، صورت می گیرد. در حقیقت این نوعی کمیسیون است که از قبل در عوض خدمتی که ممکن است استرداد شود به رشوه گیرنده داده می شود.¹

در خطبه های حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه هم اشاره هایی به انواع فساد اقتصادی شده است از جمله : استفاده نابجا از مالیات، روی کار آمدن کارگزاران ناشایست و... می باشد.

راهکار های مبارزه با فساد از دیدگاه نامه خطبه های 126، 41، 15

وَاللّٰهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِنَّ النِّسَاءُ وَ مَلَكَ بِهِنَّ الْاِمَاءَ لَرَدَدْتُهُنَّ فَاِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَّ مِنْ ضَاقِ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ
أَضِيقُ .

ترجمه:

به خدا قسم اگر آن املاک را بیابم به مسلمین بر می گردانم گر چه مهریه زنان شده باشد، یا با آن کنیزها خریده باشند. زیرا گشایش امور با عدالت است، کسی که عدالت او را در مضیقه اندازد ظلم و ستم مضیقه بیشتری برای او ایجاد می کند²

تحمل سه جنگ به وسیله امام علی علیه السلام برای احیای اصول نبوی

من چند مورد از اقدامات امیرالمؤمنین را - که در بیانات آن بزرگوار منعکس است - در اینجا عرض می کنم؛ هزاران مورد از این قبیل، در زندگی امیرالمؤمنین وجود دارد. مردم آمدند اصرار و بیعت کردند؛ اما حضرت قبول نمی کرد. اصرار مردم زیاد شد. همه، بزرگان، کوچکان، رؤسا و صحابه ی قدیمی گفتند نه، فقط علی بن ابی طالب

¹ برگرفته از مقاله فساد اقتصادی نرگس رحیمیان

² نهج البلاغه، خطبه 15

باید باشد و غیر از او کسی نمی‌تواند. آمدند و به اصرار حضرت را بردند. حضرت فرمود پس به مسجد برویم. حضرت روی منبر رفت و خطبه خواند و در این سخنرانی حرف خودش را بیان کرد. امیرالمؤمنین فرمود: اموالی که تا امروز افراد برگزیده و محترم بیجا و به ناحق تصرف کرده‌اند، هر جا من به این اموال دست پیدا کنم، اینها را به بیت‌المال برمی‌گردانم. در طول این چند سال کسانی توانسته بودند پولهایی را از بیت‌المال به نفع خودشان بردارند. فرمود من همه اینها را برمی‌گردانم؛ «لو وجدته قد تزوج به النساء»؛ حتی اگر ببینم مهر زنهایتان قرار داده‌اید، یا «و ملک به الاماء»؛ برای حرمسراهای خودتان کنیز خریده‌اید. «لردده»؛ به بیت‌المال برمی‌گردانم. مردم و بزرگان بدانند که روش من این است.

بعد از چند روز مخالفتها شروع شد. البته مردم مستضعف و طبقه‌ی مظلوم جامعه از خدا می‌خواهند چنین روشی به کار گرفته شود؛ لیکن متنفذان و کسانی که خودشان مخاطب واقعی این مطلب بودند، بدیهی است که ناراضی بودند. نشستند جلسه تشکیل دادند و گفتند این چه کاری است که علی می‌خواهد انجام دهد. ولیدبن‌عقبه - همان کسی که زمان عثمان استاندار کوفه بود - از طرف آنها بلند شد پیش امیرالمؤمنین آمد و گفت یا علی! بیعت ما با تو شرط دارد؛ «و نحن نبایعک الیوم علی ان تضع عنا ما اصناه من المال فی ایام عثمان»؛ شرط ما این است که به پولهایی که ما به دست آورده‌ایم، دست زنی و به دستاوردهای ما در دوران قبل از خودت کاری نداشته باشی. بعد از ولیدبن‌عقبه، طلحه و زبیر آمدند. البته حساب ولیدبن‌عقبه از طلحه و زبیر جداست. ولیدبن‌عقبه در واقع جزو تازه مسلمان‌ها است؛ خانواده‌اش ضداسلام و ضدانقلاب بودند و با اسلام جنگیده بودند؛ بعد هم که اسلام غالب شد، اواخر زمان پیغمبر، او هم مثل دیگران از بنی‌امیه اسلام آورد؛ اما طلحه و زبیر جزو سابقین اسلام و جزو یاران نزدیک پیغمبر بودند. طلحه و زبیر هم - که بزرگان آن روز اسلام و جزو بقایای اصحاب پیغمبر بودند - خدمت امیرالمؤمنین آمدند و حرفهای گله‌آمیزی زدند؛ از جمله گفتند: «انک جعلت حقنا فی القسم کحق غیرنا»؛ تو ما را با دیگران در تقسیم بیت‌المال یکسان کردی؛ «و سویت بیننا و بین من لا یمثلنا»؛ ما را با کسانی که شبیه ما نیستند، در دادن اموال بیت‌المال یکی قرار دادی. این چه وضعی است؟ چرا امتیاز قائل نیستی؟ «من لا یمثلنا فیما افاء الله تعالی بأسیافنا و رماحنا»؛ با شمشیر ما اینها به دست آمد؛ ما بودیم که اسلام را پیش بردیم؛ ما بودیم که زحمت کشیدیم و تلاش کردیم؛ حالا تو ما را با کسانی که تازه آمده‌اند و عجمی و جزو کشورهای مفتوح هستند، یکسان قرار داده‌ای؟

جواب امیرالمؤمنین به ولیدبن‌عقبه را من ندیده‌ام - تاریخ ثبت نکرده است - اما جواب دیگران را داد. حضرت بالای منبر رفت و جواب تندی داد. راجع به مسأله‌ی تقسیم مساوی بیت‌المال فرمود: «فان ذلک امر لم احکم فیه بادئ بدء»؛ من که بنیانگذار چنین روشی نیستم؛ «قد وجدت انا و انتما رسول الله صلی الله علیه و اله یحکم بذلک»؛ هم من و هم شما بودیم و دیدیم پیغمبر این‌طور عمل می‌کرد. من کار تازه‌یی نکرده‌ام؛ همان کار

پیغمبر را دارم دنبال می‌کنم؛ می‌خواهم همان ارزشها و همان پایه‌های اعتقادی و عملی جامعه را در این دوران مستقر کنم. و علی مستقر کرد و می‌کرد؛ هزینه‌اش را هم امیرالمؤمنین پرداخت. هزینه‌ی این کار، وقوع سه جنگ بود. امیرالمؤمنین ایستاد. بدیهی است که امیرالمؤمنین حق خلافت را متعلق به خودش می‌دانست؛ اما بعد از رحلت پیغمبر این‌طور نشد؛ در مقابل چیزی که حق خود می‌دانست، بیست‌وپنج سال هیچ حرکتی نکرد؛ اگر کسانی هم خواستند حرفی بزنند، آنها را آرام نگه‌داشت. «انک لقلق الوضین ترسل فی غیر سدد»، «ودع عنک نهبا صیح فی حجراته»؛ از این مطالب امیرالمؤمنین دارد. امیرالمؤمنین در مقابل آن مسأله بیست‌وپنج سال عکس‌العمل نشان نداد؛ اما در مقابل قضیه‌ی که بظاهر کمتر از آن قضیه به نظر می‌رسد - مسأله‌ی عدالت اجتماعی، مسأله‌ی احیای اصول نبوی، دوباره بنا کردن بنای اسلامی مستحکمی که پیغمبر گذاشته بود - امیرالمؤمنین سه جنگ را تحمل کرد؛ جنگ جمل، جنگ صفین، جنگ نهروان. ببینید این کار به نظر امیرالمؤمنین چقدر مهم بود. کار بزرگ امیرالمؤمنین این است.

امیرالمؤمنین در همین زمینه یک جمله‌ی دیگر دارد. بد نیست ما با معارف علوی یک‌خرده آشنا شویم. ایشان می‌فرماید: «لا تمن انکم رعایة الحق لعهد عن اقامة الحق علیه»؛ یعنی اگر کسی انسان مؤمنی است، انسان مجاهد فی سبیل‌الله است، زحمات زیادی داشته، جبهه بوده و کارهای بزرگی کرده، رعایت حق او بر شما واجب است. اگر در جایی این شخص تخطی و حقی را ضایع کرد، شما که مدیر و مسؤول هستید، نباید آن حق واجب، مانع بشود از این که در موردی که تخطی کرده، حق اجرا نشود. بنابراین مسائل را از هم جدا کنید. اگر کسی آدم خوبی است، شخص باارزشی است، سابقه‌ی خوبی دارد و برای اسلام و کشور هم زحمت کشیده؛ خیلی خوب، حق او مقبول و محفوظ و ما مخلص او هستیم؛ اما اگر تخطی کرد، رعایت آن حق نباید موجب شود تخلفی که انجام داده، نادیده گرفته بشود. این، منطبق امیرالمؤمنین است.¹

حضرت علی علیه السلام از پذیرش ظرف حلوانی که "اشعث بن قیس" منافق به عنوان هدیه اما در واقع به عنوان رشوه به طلب انجام کاری برای وی آورد امتناع کرد و او را مورد عتاب قرار داد و گفت: "آیا از راه دین خدا آمده‌ای که مرا بفریبی؟ آیا درک نکرده نمی‌فهمی یا دیوانه‌ای؟ که از این راه می‌خواهی مرا بفریبی؟"²

حضرت علی علیه السلام با وجودی که در جایگاه خلافت مسلمانان قرار داشت، اما از مردم می‌خواست که به رسم سلاطین ستمگر، او را در مقام خلافت ستایش نکنند، بلکه در امور با وی مشورت و او را همراهی کنند. سپس آسیب‌های ستایش از روی تملق را بیان می‌کند که چگونه مانع انجام حق می‌گردد. این حالت را که مردم گمان

¹ بیانات رهبری در نماز جمعه 1383/08/15

² خطبه 215 ترجمه دشتی.

برند زمامداران دوستدارستایش‌اند و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار است را از پست‌ترین حالات زمامداران می‌داند.^۱

وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا عَوْتَبَ عَلَى التَّسْوِيَةِ فِي الْعَطَا:

أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فَيَمُنَّ وَيُتِّعُ عَلَيَّ؟ وَاللَّهِ لَأَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَمَا أَمَّ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا، [وَ] لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ، فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ. [ثُمَّ قَالَ] أَلَا وَ إِنِّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ؛ وَ لَمْ يَضَعْ أَمْرًا مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ لَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ، إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَ كَانَ لِغَيْرِهِ وَ دُهُمُ، فَإِنَّ زَلَّتْ بِهِ النُّعْلُ يَوْمًا فَاحْتَاجَ إِلَى مَعُونَتِهِمْ، فَشَرُّ خَلِيلٍ وَ أَلَمٌ خَدِيوُ^۲

این سخن را هنگامی ایراد فرمود، که رعایت مساوات را در عطایای بیت‌المال، بر او ایراد گرفتند و جمعی از بی‌خبران توصیه به تبعیض نمودند.^۳

اجرای عدالت و پرهیز از تبعیض

همان‌گونه که از عنوان خطبه، پیداست، هدف از ایراد این خطبه پاسخ به کسانی بوده است که از سر دلسوزی، خدمت امام علیه‌السلام عرض کردند: سزاوار است اموال بیت‌المال را در آغاز حکومت خود در میان رؤسا و اشراف و سران قبائل و افرادی که می‌توانند ضرباتی بر پایه حکومت وارد کنند، تقسیم کنی و آنها را نسبت به دیگران سهم بیشتری دهی تا پایه‌های حکومت محکم شود، امام علیه‌السلام در پاسخ آنها به دو نکته اشاره فرمود: نخست این که: من هرگز نمی‌توانم از طریق ظلم و ستم و تبعیض و دادن حق کسی به دیگری پایه‌های حکومت خود را محکم کنم و از طریق گناه به حق و عدالت برسم. دیگر این که: آنها که دست به چنین کاری می‌زنند در پایان گرفتار ناسپاسی همان کسانی می‌شوند که به آنها خدمت کرده‌اند.^۴

^۱ نهج البلاغه خطبه 207

^۲ همان خطبه 126

^۳ مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین ص 302

^۴ همان ص 301، 302

مرحوم «کلینی» در آغاز روایتی که از این خطبه آورده است از «ابی مخنف» چنین نقل می کند: گروهی از شیعیان خدمت امیرمؤمنان (علیه السلام) رسیدند، عرض کردند چه مانعی دارد که اموال بیت المال را بیرون آوری، و در میان رؤسا و اشراف تقسیم کنی، و آنها را بر ما برتری بخشی (و سهم ما را به آنها دهی) تا پایه های حکومت محکم شود سپس به برنامه تقسیم بالسویة و عدالت در رعیت باز گردی؟! امام (علیه السلام) (از این پیشنهاد ناراحت شد و) این خطبه را ایراد فرمود و با صراحت گفت: برای رسیدن به یک هدف مقدس نباید از وسیله نامقدس و گناه آلود استفاده کرد، که این کار با منطق اسلام سازگار نیست فرمود: «آیا به من پیشنهاد می کنید که برای پیروزی خود، از جور و ستم در حق کسانی که بر آنها حکومت می کنم، استمداد جویم؟!»

(أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيَتْ عَلَيْهِ)

مگر هدف حکومت، اجرای عدالت نیست؟ چگونه شما پیشنهاد می کنید که با ظلم و ستم، پایه های حکومت را محکم کنم؟! این تناقضی است آشکار، و پیشنهادی است بر خلاف رضای پرورگار^۱

امام (علیه السلام) به بیان مفسد این کار (تبعیض و جور و ستم و تقسیم ناعادلانه بیت المال) پرداخته چنین می فرماید: «آگاه باشید! بخشیدن مال در غیر موردش، تذبذب و اسراف است هر چند ممکن است این کار در دنیا سبب سربلندی کسی که آن را انجام داده است شود، ولی در آخرت، موجب سرافکنندگی وی خواهد گشت، این کار او را (چند روزی) در میان مردم (دنیاپرست) گرامی می دارد ولی در پیشگاه خدا به زمینش می افکند!»^۲

از خطبه بالا به خوبی استفاده می شود که امام امیرمؤمنان (علیه السلام) اصرار داشته اند بیت المال مسلمین همواره به طور مساوی در میان مسلمین تقسیم گردد و هیچ گونه امتیازی شریف بر وضع و شخصیت های سیاسی و اجتماعی و حتی سابقین در اسلام و حتی نیازمندان بر غیر آنها نداشته باشند.

در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز وضع به همین گونه بود و ظاهراً در عصر خلیفه اول همان روش

^۱ همان ص 306

^۲ همان ص 308

ادامه یافت تا این که نوبت به «عمر» رسید. او تفاوتها و تبعیضها را بنیان نهاد و ملاحظاتی سیاسی و اجتماعی را در تقسیم بیت المال دخالت داد.^۱

إضرب بطرفك حيث شئت من الناس فهل تبصر إلا فقيرا يكابد فقرا أو غنيا بدل نعمه الله كفرا أو بخيلا إتخذ البخل بحق الله وفرا إو متمردا كأن يأذنه عن سمع المواعظ وقرا^۲

به هر سو که می خواهی نگاه کن آیا جز فقیری که با فقر دست به گریبان است یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران کرده، یا بخیلی که بخل را در ادای حقوق الهی سبب فزونی ثروت شمرده یا گردن کشی که گوش او از شنیدن اندازها، کر است، شخص دیگری را می بینی؟

به هر حال امام علیه السلام عموم مردم را در این خطبه مخاطب ساخته و هشدارهای مهمی در باره ی ناپایداری دنیا و فساد جامعه می دهد، می فرماید: ای بندگان خدا شما با آنچه از این دنیا مورد علاقه ی شماست میهمانانی هستید برای مدتی معین و بدهکارانی هستید مورد بازخواست سرآمدی کوتاه دارید، و اعمال که نزد خدا محفوظ است.^۳

هنگامی که خلیفه ی وقت بیت المال را در میان اطرافیان خود تقسیم کند، و اقوام و بستگان ناصالح خویش را در پست های حساس بگمارد، فرماندار منصوب او علنا شراب بنوشد، و در حال مستی در محراب برای نماز جماعت حاضر شود و افراد دیگر مرتکب اعمال شنیع شوند، چه انتظاری از توده های مردم می رود مگر اسباب سلطه ی شیطان، دنیا پرستی و هوسرانی نیست؟

هنگامی که این امور گسترش یابد، سلطه شیطان سهل و آسان است. کار به جایی رسیده بود که طبق روایتی فرزند عمر ابن خطاب به اتفاق بعضی از فرزندان ابوبکر وسعد بن ابی وقاص خدمت علی در دوران حکومت رسیدند و تقاضا کردند که آنها را بر دیگران برتری دهد و سهمشان را از بیت المال فزونی بخشد، امام علیه السلام برفراز منبر قرار گرفت و مردم گرد او را گرفتند سپس خطبه ی مشروحه خواند و همه را از این گونه تقاضا ها بر حذر داشت و فرمود: کار شما به جایی رسیده که اگر بخواهم جلوی این گونه تبعیض ها را بگیرم، می گویند

^۱ همان ص 310

^۲ نهج البلاغه خطبه 129

^۳ مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین ص 378

فرزند ابوطالب ستم روا داشت و از دادن حق ما مضایقه کرد، من می دانم شما چه می خواهید و با چه وسیله می توانم شما را قانع کنم ولی هرگز اصلاح کار شما را به فساد خودم خریدار نیستم.

امام در این تعبیرهای گویا و زیبا انگشت روی چهار گروه محروم یا منحرف، که اساس فساد و ویرانی جامعه را تشکیل می دهند، می گذارد: نخست فقیرانی که در چنگال فقر گرفتارند، فقری که گاه انسان را به کفر می کشاند، و اغنیایی که چنان در ناز و نعمت و لذت و شهوت، فرو رفته اند که همه چیز را به فراموشی سپرده و غرق کفران شده اند و بخیلانی که چنین می پندارند بخل سبب فزونی ثروت و سرمایه است و گردنکشان مست و مغروری که گوششان بدهکار سخن حق نیست. تعبیر زیبای امام علیه السلام که می گوید: به هر سو می خواهی نگاه کن غیر از این گروه ها شخص دیگری را نمی یابی، دلیل بر این است که فقر و فساد آنچنان فرا گیر شده بود که در همه جا آثارش نمایان، و دلیل این فراگیری همان است که در بالا به آن اشاره شد.¹

امام علی علیه السلام در خطبه 3 نهج البلاغه می فرماید: آگاه باشید، سوگند به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید اگر آن جمعیت بسیار برای بیعت حاضر نمی شدند و نبود پیمانی که خداوند بر دانشمندان آگاه گرفته که سیری ستمگر و گرسنه ای ستمدیده را نپسندند، حتما مهار شتر خلافت را بر کوهان آن بر می انداختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن (زمان خلفا) آب می دادم.

در این عبارت علی علیه السلام دو اصل را پایه برای بدست گرفتن حکومت قرار داده یکی شرکت و پذیرفتن مردم، دوم بر قراری عدالت و جلوگیری از ظلم.²

یکی از برنامه های روشن حکومت علوی، برقراری عدالت و احقاق حق مظلومان و برخورد شدید با تبعیض ها، انحصارات، رانت خواری ها، و پایمال کنندگان اموال عمومی بوده است. امام در روز دوم خلافت، سیاست های خود را در این زمینه به اطلاع مردم رساند:³

«سوگند به خدا (اگر بخشیده عثمان را بیابم) به مالک آن باز گردانم، اگر چه از آن زن ها شوهر داده و کنیزکان خریده شده باشد؛ زیرا در عدل و درستی، وسعت و گشایش است و آن که عدالت را بر نتابد، ستم را سخت تر یابد.»⁴

¹ پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام ص 381 و 382

² رحمانی، بیت المال در نهج البلاغه ص 39

³ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ص 90.

⁴ نهج البلاغه، خطبه 15.

کلبی می گوید: آن گاه فرمان داد همه سلاح هایی را که در خانه عثمان پیدا شده بود و آنها را علیه مسلمانان به کار گرفته بودند، بگیرند و در بیت المال نهند. همچنین مقرر فرمود شتران گزیننه (نجائب) زکات را که در خانه اش بود، تصرف کنند و شمشیر و زره او را هم بگیرند؛ اما کاری به سلاح هایی که در خانه عثمان بود و بر ضد مسلمانان از آن استفاده نشده بود، نداشته باشند و از تصرف همه اموال شخصی عثمان که در خانه اش و جاهای دیگر است، خودداری شود. نیز دستور فرمود اموالی که عثمان به صورت پاداش و جایزه به یاران خود و هر کس دیگر داده است، برگردانده شود. چون این خبر به عمرو بن عاص رسید، برای معاویه نوشت: «هر چه باید انجام دهی انجام بده که پسر ابی طالب همه اموالی را که داری از تو جدا خواهد کرد؛ همان گونه که پوست عصارا چوبدستی را می کنند.»¹

امام (ع)، مالک را به شدت از رانت جویی اطرافیانش برحذر می دارد: «و بدان که والی را خویشاوندان و نزدیکان است و در ایشان خوی برتری جویی و گردنکشی است و در معاملات با مردم رعایت انصاف نکنند. ریشه ایشان را با قطع موجبات آن صفات قطع کن؛ به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندان زمین را به اقطاع مده؛ مبدا به سبب نزدیکی به تو پیمانی ببندند که صاحبان زمین های مجاورشان را در سهمی که از آب دارند یا کاری که باید به اشتراک انجام دهند، زیان برسانند و بخواهند بار زحمت خود بر دوش آنان نهند؛ پس لذت و گوارایی نصیب ایشان شود و ننگ آن در دنیا و آخرت بهره تو گردد.»

امام (ع) در یک کلام انحصارطلبی دولت را نفی می کند؛ آن جا که به مالک می فرماید: «ایاک و الاستئثار بما الناس فیه اسوه.» بپرهیز از این که به خود اختصاص دهی، چیزی را که همگان را در آن حقی است. آن حضرت در توصیف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«الْمُؤْمِنُ سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ وَ كَلَامُهُ الْفَضْلُ وَ حُكْمُهُ الْعَدْلُ؛ راه و رسم او (رسول خدا) اعتدال، روش او صحیح و متین و سخنانش روشنگر حق از باطل و حکمش عادلانه بود.»

بنابراین بر همه - حکومت، حاکمان، کارگزاران و عموم مردم - لازم است تا با پیروی از سنت و سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) همواره در امور فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عبادی از افراط و تفریط دوری کنند و اساس برنامه ها و تصمیم گیری ها و سیاست ها را بر پایه اعتدال و میانه روی تنظیم کنند تا راه راست و نجات را بیابند. حکومت باید در تمام سیاست گذاری ها و عملکردها از این مرز خارج نشود و دستورهای حکومتی خود را همان گونه که حضرت امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه به کارگزاران

¹ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، ج 1، ص 135 136.

خود سفارش فرموده، بر اساس این اصل مهم صادر کند و در مسائل فرهنگی و تربیتی نیز زمینه هرگونه افراط و تفریط را از بین ببرد و بسترهای لازم را برای رعایت اصل اعتدال و شکوفایی استعدادهای انسانی و تربیت دینی مهیا سازد.¹

زمامداران عادل، جامعه را به امنیت، رفاه و برکت می رسانند و سرچشمه خیر برای مردمانند و زمامداران فاجر وسیله هلاکت مردمانند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ضمن خطبه ای هنگام اردوگشی به شام برای پیکار با معاویه بن ابی سفیان و قاسطین چنین فرموده است:

«اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَأَطِيعُوا وَأَطِيعُوا إِمَامَكُمْ فَإِنَّ الرَّعِيَّةَ الصَّالِحَةَ تَنْجُو بِالْإِمَامِ الْعَادِلِ أَلَا وَإِنَّ الرَّعِيَّةَ الْفَاجِرَةَ تَهْلِكُ بِالْإِمَامِ الْفَاجِرِ». ² از خدا بترسید و از امام خود فرمان برید که مردم صالح به وسیله پیشوای عادل نجات می یابند و بدانید که مردم فاجر به وسیله پیشوای فاجر هلاک می شوند.

بنابر اندیشه سیاسی امام علی (علیه السلام) جز آنان که عدالت را بر خود گماشته اند و عدالت حاکم بر اندیشه و کردار و رفتار آنان است، کسی نمی تواند حق و عدل را به درستی برپا دارد. آن حضرت فرموده است:

«قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ يَصِفُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ لَا يَدْعُ لِلْخَيْرِ غَايَةً إِلَّا أُمَّهَا وَلَا مَظِنَّةَ إِلَّا قَصْدَهَا قَدْ أَمَكَّنَ الْكِتَابَ مِنْ زِمَامِهِ فَهُوَ قَائِدُهُ وَإِمَامُهُ يَحُلُّ حَيْثُ حُلَّ ثَقَلُهُ وَيَنْزِلُ حَيْثُ كَانَ مَنَزَلُهُ». ³ عدالت را بر خود گماشته؛ نخستین نشانه آن این است که هوی و هوس را از دل برداشته؛ حق را ستاید و به کار بندد؛ کار نیکی نیست که ناکرده گذاشته؛ و درجایی گمان فایدتی نبرده جز آن که برای رسیدن بدان همت گماشته؛ خود را در اختیار کتاب خدا نهاده؛ آن را راهبر و پیشوای خود قرار داده؛ هر جا گوید بارگشاید و هر جا که فرمان دهد، فرود آید. توان هر کس به هر پست از مقام های زماداری که می رسد، باید توان و شایستگی لازم برای آن مقام را داشته باشد؛ یعنی توان تحمل بار سنگین امانت اداره مردم؛ گشادگی سینه؛ توانایی تحمل مخالفان؛ شجاعت لازم در تصمیم گیری و ایستادگی؛ صلابت و استواری در امور؛ مصمم بودن در راهبری؛ توان ایستادگی در برابر مشکلات و ناملايمات؛ صبر و استقامت بر مصیبت ها و نعمت ها؛ صبر در برابر معصیت ها؛ صبر بر طاعت خدا؛ و توانایی حفظ حدود خدا و مرزها؛ پاسداری از حقوق مردم و قوانین مقرر شده باشد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

¹ باباپور، حاکمیت و حکمرانی، ص 176

² نهج البلاغه، خطبه 87

³ نهج البلاغه، خطبه 87

«يُهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ؛ أَي مَرْدَم! سزاورترین افراد برای حکومت کسی است که بدان توانا تر باشد».^۱

کسی که توان لازم برای اداره امور را ندارد و به آسانی زیر بار کار یا این و آن می رود و زمام امور از کف او بیرون می رود، گرفتار تزلزل و پریشانی و تصمیم ها و اقدامات متناقض می گردد.^۲

یکی از مهم ترین وظیفه حکومت اسلامی، فراهم آوردن زمینه رفاه، آسایش و تأمین معیشت مردم است. حکومت باید با فقرزدایی و تأمین معاش مردم، آسایش و آرامش آنان را فراهم نماید.

حضرت امام علی(علیه السلام) به رفاه عمومی توجه داشت و آبادانی سرزمین ها و تأمین زندگی شرافتمندانه مردم را از وظایف خود می دانست. آن حضرت می فرماید: «وَنُظْهِرُ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتَقَامَ الْمُعْطَلَّةُ مِنْ حُدُودِكَ».^۳

(خدایا!) هدف من آشکار کردن اصلاح در شهرهاست، تا بدین وسیله بندگان ستم کشیده ات به امنیت برسند و احکام امت را که معطل مانده اند، جاری گردد.

توزیع عادلانه بیت المال و ثروت های همگانی بین مردم، از مهم ترین وظایف حاکمان اسلامی است.

حضرت امام علی(علیه السلام) پرداخت حقوق مالی مردم را از حقوق مردم بر حاکم می داند: «فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ... تَوْفِيرُ فَيْتِكُمْ عَلَيْكُمْ؛ شما را بر من حقی است؛ حقی را که از بیت المال دارید، بپردازم».

«إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ... وَإِصْدَارُ السُّهْمَانِ عَلَى أَهْلِهَا».^۴ همانا بر امام نیست؛ جز آن چه از امر پروردگار به عهده او گذاشته شده است و رساندن سهم های بیت المال به شایستگان آن.

^۱ همان، خطبه 173

^۲ باباپور، حاکمیت و حکمرانی در نهج البلاغه ص: 189 تا 188

^۲ همان، ص 212

^۳ خطبه 131

^۴ نهج البلاغه، خطبه 34

^۵ نهج البلاغه، خطبه 104

امام علی علیه السلام در بیان ویژگی پرهیز از رشوه خواری می فرمایند: **وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ... وَ لَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبُ بِالْحَقُّوقِ وَ يَقِفُ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِ**

همانا شما دانستید که به درستی رشوه خوار در قضاوت نمی تواند امام باشد؛ زیرا در داوری، با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال و حق را به صاحبان آن نمی رساند.¹

در اینجا، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مردم را به دو نکته توجه داده است: پرهیز از رشوه خواری؛ تجاوز یکی دیگر از ویژگی های حاکم اسلامی، پرهیز از رشوه خواری در مقام داوری است؛ نکردن به حقوق دیگران زیرا اگر حاکم مسلمانان در قضاوت و داوری رشوه بگیرد، بیدادگری و تباه شدن حقوق مردم و بی توجهی به حق، در جامعه فراگیر می شود.

در اینجا نمونه ای از برخورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام را با رشوه خواری بیان می کنیم.² امام می فرماید: شب هنگام، کسی به دیدار ما آمد (اشاره به اشعث بن قیس دارد که قرار بود فردای آن روز دادگاه اسلامی به پرونده وی رسیدگی کند) که ظرفی سرپوشیده پر از حلوا داشت و معجونی در آن ظرف بود. چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمی یا قی کرده آن مخلوط کرده اند! به او گفتم: هدیه است؟ یا زکات یا صدقه که این دو بر ما اهل بیت پیامبر حرام است؟ گفت: نه زکات است، نه صدقه، بلکه هدیه است. گفتم: زنان بچه مرده بر تو بگریند، آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده یا جن زده شدی یا هذیان می گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان هاست، به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد! همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده دهان ملخ پست تر است! علی را با نعمت های فناپذیر و لذت های ناپایدار چه کار؟ به خدا پناه می بریم خفتن عقل و زشتی لغزش ها و از او یاری می جویم.³

¹ خطبه 131 شرح ابن ابی الحدید

² عبدالی، اصلاحات علوی ص 38

³ نهج البلاغه خطبه 215

نتیجه گیری

از مهم ترین پدیده هایی که تمامی کشورهای دنیا با سطوح مختلف با آن روبرو هستند فساد است. تاثیرات منفی فساد بر تمامی شئون اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه باعث شده است تا پژوهشگران به دنبال راههایی کاربردی جهت کنترل و مدیریت این پدیده باشند.

سوال مهمی که می توان مطرح نمود این است که توصیه های امام علی علیه السلام در خطبه های نهج البلاغه جهت از بین بردن فساد اقتصادی چیست؟

این پژوهش نشان داد که در خطبه های نهج البلاغه امام علی علیه السلام بیشترین تمرکز را بر روی استفاده مناسب و بجای از بیت المال برای جلوگیری از فساد اقتصادی داشته است. راهکارهای دیگر حضرت در خطبه ها برای جلوگیری از فساد عبارتند از فقرزدایی، برقراری عدالت، پرهیز از رشوه خواری می باشد.

فهرست و منابع

- 1- نهج البلاغه، ترجمه دشتی
- 2- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، ج 1،
- 3- باباپور، محمد مهدی، حاکمیت و حکمرانی در نهج البلاغه، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی
- 4- رحمانی، محمد، بیت المال در نهج البلاغه، حکومت اسلامی 1379 شماره 17
- 5- رحیمیان، نرگس، مقاله بررسی فساد اقتصادی و راه های مبارزه با آن ، مجله اقتصادی شماره 9 و 10 آذر و دی 93
- 6- عبدالهی، محمد حسن، اصلاحات علوی، قم: دفتر عقل، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1385
- 7- مکارم شیرازی و همکاران، پیام امام امیرالمؤمنین، ج 5، دارالکتاب الإسلامیه 1385
- 8- بیانات رهبری در نماز جمعه 1383/08/15